

کیانوریوز کسی که زندگی را شکست داد ثابت کند!

بعضی‌ها شکست نمی‌خورند

کسی را نداشتیم که با ما بازی کند

کیانو ریوز بازیگر فیلمهای مطرحی مثل "سه گانه ماتریکس"، "کنستانتین"، "قدم زدن میان ابرها" و "بودای کوچک" در سال ۱۹۶۴ میلادی در بیروت به دنیا آمد. پدرش وقتی او سه ساله بود، خانواده را ترک کرد. دوستانش می‌گویند به همین دلیل همیشه احساس کمبود داشت و هیچ وقت در باره پدرش حرف نمی‌زد. هر وقت هم در گفت و گوها اشاره‌ای به او می‌شد، موضوع را عوض می‌کرد. کیانو در حال حاضر هیچ ارتباطی با پدرش ندارد. مادرش ۴ بار ازدواج کرد. در چنین شرایطی واضح است که دوران کودکی او از نظر ذهنی در امنیت و آسایش خاطر نگذشته و از طرف دیگر با نقل مکانهای متعددی همراه بوده است.

کیانو ۳ خواهر به نامهای کیم، اما و کارینا دارد. ارتباط او با کیم بسیار خوب است و او را بهترین دوست زندگی‌اش می‌داند. کیم که برادرش را شاهزاده زندگی‌اش خوانده، درباره دوران کودکی شان این طور گفته: "هیچ وقت کسی را نداشتیم که با ما بازی یا اسب سواری من و هاکای کیانو را تماشا کند. شما نمی‌توانید دلتنگ چیزی باشید که هرگز آن را نداشته‌اید."

کیانو بعد از ورود به دنیای بازیگری و شناخته شدن در این حرفه بهترین و صمیمی‌ترین دوستش، "ریور فونیکس" را از دست داد. مرگ فونیکس که بر اثر استفاده بیش از حد مواد مخدر بود، ضربه روانی بسیار سنگینی به کیانو وارد کرد.



همه ماحتی شده یک بار در زندگی طعم شکست را چشیده‌ایم و برخی از ما بارها و سرسختی و البته با اقبال مساعد، پیروز می‌شویم، ولی معمولاً قضاوت در باره میزان تحمل و توانایی جنگندگی افراد و مشکلات زندگی آنها با دیدن ظاهرشان یا فقط آشنایی‌های سطحی، دور از واقعیت و نادرست است. خط زمانی جدی‌تری می‌شود که شاهد حضور فردی بر پرده سینما باشیم که سالم، قدرتمند و شاد هم ظاهر می‌شود. این نشانه‌ها دلایل محکمی نیستند برای اینکه زندگی را بدون گرفتاری و بی‌دغدغه و کمبود بدانیم. "ریوز" با ایفای نقش اصلی فیلم "جان ویک" محصول سال ۲۰۱۴ آمریکا چنان سالم، پرصلابت و قدرتمند ظاهر شد که بعید نیست این ویژگی‌ها را آن هم در این سن و سال نتیجه زندگی راحت و بدون گرفتاری او دانستند غافل از اینکه گاهی ماجراهای تلخ و اتفاقات ناگوار دلیل توجه به حفظ سلامت و جایگاه حرفه‌ای می‌شوند در حالی که شاید زندگی راحت و بی‌دردتر باعث کم‌اعتنائی به آنها می‌شد... زندگی ریوز بیشتر از این نظر مورد توجه است که خوش شانسی‌اش با بدبختی‌های متعددی همراه بوده و همیشه پایداری و سرسختی قابل تحسینی از خود نشان داده است: موضوعی که در ادامه به آن می‌پردازیم.

نکشید. او به خودش آمد و به طور جدی حرفه‌اش را دنبال کرد، حرفه‌ای که همیشه عاشقش بود. کیانو در همان روزهای افسردگی بین آن همه غم و اندوه نقش قهرمان را به خوبی بازی کرد. البته در همان سالهای اولیه برگشت دوباره متوجه شد که خواهر صمیمی‌اش، کیم، به سرطان مبتلا شده است. او هم بی‌درنگ فعالیتهای خیریه‌اش را در امور مربوط به بیمارهای سرطانی آغاز کرد، بنابراین هدف از بازگویی سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی ریوز ذکر فقدان و مصیبت و اندوه نیست، بلکه منظور بهبود و برگشت و ادامه زندگی است.

آخرین چیزی که به آن فکر می‌کنم

کیانو ریوز یکی از بخشنده‌ترین بازیگران هالیوود و از بزرگترین افراد بشر دوست امروزی به شمار می‌آید. شعار او این است: "همه انسانها باید برای یکدیگر خوب باشند." او همیشه مقداری از ثروتش را برای کمک به بی‌خانمانها اختصاص داده و به ندرت چیزی در این باره گفته است. در صورتی که خیلی از مردم اگر دنیا چیزهای زیادی از آنها گرفته باشد، مهربان و سخاوتمند نخواهند بود.

از وقتی محبوب‌ترین خواهر کیانو به سرطان مبتلا شد، سرپرستی و حمایت او را برعهده گرفت و حالا بیشتر از یک دهه است که میلیونها دلار

او هنوز هم از آن اتفاق با تلخی و اندوه یاد می‌کند: "مصیبتی ناگهانی بود که نمی‌توانم هضمش کنم." ولی اروین استاف، مدیر برنامه‌های کیانو ریوز، چنین نظری دارد: "کیانو مثل هر آدم دیگری دیوانه بود و گاهی هر خطایی را امتحان می‌کرد ولی از دست دادن رفیقی که از صمیم قلب دوستش داشت و اشتیاق فراوان به بازیگری، هوشیارش کرد. واقعیت این است که او بعد از این ماجرا بزرگ شد."

کیانو ریوز در سال ۱۹۹۸ با زنی به نام "جنیفر سیم" ملاقات کرد و دیوانه وار عاشقش شد. یک سال بعد هم پدر شد و به این ترتیب در آستانه زندگی کاملی قرار گرفت اما باز هم اتفاقی غیر قابل

تصور رخ داد. بچه‌اش مرده به دنیا آمد و جنیفر به افسردگی شدیدی مبتلا شد. کیانو سعی کرد کمکش کند ولی زندگی آنها به دلیل فقدان بچه و افسردگی جنیفر سخت و کمی سرد شد و سرانجام در سال ۲۰۰۱ با تصادف جنیفر و مرگش همه چیز از هم پاشید.

تا اینجا به نظر می‌رسد زندگی کیانو از کف تا سقف تاریک نقاشی شده و دنیا نقش تلخی را به او واگذار کرده است. ریوز در آن دوران در افسردگی عمیقی فرو رفت، اما این وضع زیاد طول